



افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران و نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی

دکتر رافیک باغومیان

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سجاد نقدی^۱

دکترای حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

حجت محمدی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۳۰ فروردین ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۳۹۵)

هدف اصلی این مقاله، بررسی تاثیر تغییر عوامل کلان اقتصادی بر افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران است. جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی پژوهش شامل سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. بدین منظور، ۸۵ شرکت از میان جامعه آماری مذکور با در نظر گرفتن معیارهایی انتخاب و فرضیه‌های پژوهشی بر اساس اطلاعات استخراج‌شده از شرکت‌های نمونه، آزمون شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقلی که طی دوره زمانی پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند (شامل تغییرات تولید ناخالص داخلی، تغییرات تراز تجاری، تغییرات نرخ ارز و تغییرات تورم)، تنها بین تغییرات دو متغیر نرخ ارز و تورم سالانه با افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران (کوتاه‌مدت و بلندمدت) رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، چنین بر می‌آید که با افزایش نوسان‌های نرخ ارز و نرخ تورم، مدیران ترجیح می‌دهند تا افق زمانی کوتاه‌مدتی برای پیش‌بینی سود انتخاب کنند. از سوی دیگر، مشاهده شد که سایر متغیرهای مستقل (شامل تغییرات تولید ناخالص داخلی و تغییرات تراز تجاری)، رابطه معناداری با افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران ندارند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای کلان اقتصادی می‌توانند بر افق زمانی (کوتاه مدت و بلندمدت) پیش‌بینی سود توسط مدیران تاثیر بگذارد.

واژه‌های کلیدی: افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده، متغیرهای کلان اقتصادی، پیش‌بینی سود مدیران.

مقدمه

سود به عنوان راهنمای پرداخت سود تقسیمی، ابزار اثربخش سنجش عملکرد مدیریت و پیش‌بینی و وسیله ارزیابی تصمیم‌گیرندگان، همواره مورد استفاده سرمایه‌گذاران، مدیران و تحلیلگران بوده است. همچنین، سود حسابداری مبنای بسیاری از روابط قانونی و قراردادی است؛ لذا آثار رفتاری بالقوه‌ای را در بر دارد. بنابراین سود حسابداری برای سرمایه‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آنان تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود را بر مبنای سود شرکت قرار می‌دهند. با توجه به اینکه سود واقعی در پایان سال مشخص می‌شود، سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی‌های اعلام‌شده توسط مدیریت شرکت‌ها در مورد سود، اکتفا می‌نمایند [۷]. پیش‌بینی سود مدیریت، اطلاعاتی درباره سود مورد انتظار هر شرکت خاص ارائه می‌کند. مدیران می‌توانند افق دید خود را برای ارائه پیش‌بینی انتخاب کنند. معمولاً مدیران پیش‌بینی سود را به صورت سالانه یا سه ماهه انجام می‌دهند [۴].

هدف اصلی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مناسب برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. یکی از ویژگی‌های لازم برای مربوط بودن اطلاعات مالی و اقتصادی، سودمندی در پیش‌بینی است. پیش‌بینی به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا فرایند تصمیم‌گیری خود را بهبود ببخشند و خطر تصمیم‌گیری را کاهش دهند؛ به‌گونه‌ای که به اعتقاد بیور، پیش‌بینی را می‌توان بدون اخذ تصمیم انجام داد ولی کوچکترین تصمیم‌گیری را نمی‌توان بدون پیش‌بینی انجام داد [۱۰].

گزارشگری مالی ممکن است در قالب صورت‌های مالی و سایر ابزار انتقال‌دهنده اطلاعات صورت پذیرد. علاوه بر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، اطلاعات افشاشده خارج از صورت‌های مالی هم به صورت گسترده‌ای بر پایه پیش‌بینی‌ها و برآوردهای مدیریت قرار دارند. یکی از اطلاعات افشاشده خارج از صورت‌های مالی، سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیریت است که منعکس‌کننده پیش‌بینی مدیریت درباره چشم‌انداز آتی می‌باشد. مطالعات نشان داده‌اند که پیش‌بینی‌های مدیریت، قیمت سهام، نقدینگی بازار سهام و پیش‌بینی تحلیلگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این نتایج حاکی از آن است که سود پیش‌بینی‌شده توسط شرکت‌ها دارای محتوای اطلاعاتی است و اهمیت زیادی برای تصمیم‌گیرندگان دارد. بنابراین به دلیل تاثیر سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، بررسی ابعاد پیش‌بینی سود و عوامل موثر بر آن از اهمیت زیادی برخوردار است. به منظور بررسی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، می‌توان دو بعد زیر و عوامل موثر بر این دو بعد را مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱. دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران

۲. افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران

از بین ابعاد پیش‌گفته، دقت سود پیش‌بینی‌شده بیشتر مورد توجه محققین بوده است [۹ و ۸ و ۵]. ولی درباره بعد دیگر، یعنی افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده، پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است. این در حالی است که افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیریت را می‌توان به کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد.

عوامل زیادی بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیریت اثرگذار هستند که به طور کلی می‌توان این عوامل را به درون‌شرکتی (غیرسیستماتیک) و برون‌شرکتی (سیستماتیک) تقسیم کرد. عوامل درون‌شرکتی حاصل سیاست‌ها و راهبردهای شرکت می‌باشد و مدیریت می‌تواند آنها را کنترل نماید. از سوی دیگر، عوامل برون‌شرکتی تحت کنترل مدیریت شرکت‌ها نیستند و همه شرکت‌ها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. یکی از عوامل برون‌شرکتی، تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشد که احتمال دارد افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران را تحت‌تاثیر قرار دهد. با توجه به نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی کشورمان طی سال‌های اخیر که بیشتر به دلیل اعمال تحریم‌های ظالمانه صورت پذیرفته، بررسی تاثیر تغییرات این متغیرها بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، از اهمیت زیادی برخوردار است.

بدین ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدف اصلی این پژوهش پاسخ به پرسش زیر می‌باشد:
آیا نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران تاثیرگذار است؟

مبانی نظری پژوهش

سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، یکی از مهم‌ترین ارقام افشاشده توسط شرکت‌ها می‌باشد که علاوه بر سرمایه‌گذاران، توجه اعتباردهندگان، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان را نیز به خود جلب کرده است [۲]. اطلاعات ارائه‌شده در مورد سود از طرف شرکت، مبتنی بر رویدادهای گذشته است؛ در حالی که استفاده‌کنندگان علاوه بر این به اطلاعات آینده شرکت نیز نیاز دارند. مدیریت با در دست داشتن اطلاعات مربوط و قابل اتکا، اقدام به پیش‌بینی کرده و کارایی بازار مالی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، شناسایی عواملی که بر تصمیم‌های مربوط به افشای اطلاعات توسط مدیریت اثر می‌گذارد، مسئله اصلی برخی پژوهش‌ها بوده است که می‌تواند برای سیاست‌گذاران بازار و دانشگاهیان مفید باشد. او و پنمن^۱ (۱۹۸۹) معتقد هستند که برخی متغیرهای بنیادی (نسبت‌های مالی) در پیش‌بینی عایدی‌های آتی تاثیرگذارند. به باور این پژوهشگران، استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی می‌تواند پیش‌بینی سودهای آتی را بهبود بخشد. علاوه بر ابهام در مورد اینکه کدام یک از اطلاعات صورت‌های مالی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای عملکرد آتی شرکت‌ها و متغیرهای مهمی نظیر سود آتی شرکت توسط مدیران باشد، فرضیه دیگری نیز در مورد پیش‌بینی دقیق‌تر سود توسط مدیران مطرح شده است. در این فرضیه که توسط پژوهشگرانی نظیر کیم^۲ و همکاران (۲۰۱۴) ارائه شده، به جایگاه تاثیرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی در چنین پیش‌بینی‌هایی اشاره شده است. به عنوان مثال در کشوری مانند ایران که از اقتصادی با تورم بالا رنج می‌برد، تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ بهره، تورم، تولید ناخالص داخلی بر دقت، تناوب و افق پیش‌بینی سود توسط مدیران، آشکار است. در نتیجه براساس این فرضیه بهتر است در کشورهایی با وضعیت اقتصادی ناپایدار، به تاثیرگذاری عوامل کلان اقتصادی نیز در

¹ Ou and Penman

² Kim

پیش‌بینی‌های سود توسط مدیران، توجه شود. به طور کلی، شرایط و محیط عملیاتی یک شرکت می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار گیرد که در یک دسته بندی کلی، این عوامل را می‌توان به دو دسته سیستماتیک و غیرسیستماتیک تقسیم کرد.

عوامل غیرسیستماتیک عواملی هستند که مختص یک شرکت خاص می‌باشند. این عوامل از قبیل ورود به بازار جدید و تحصیل و ادغام با یک شرکت جدید، در بهترین شرایط تنها می‌توانند بر فعالیت این شرکت‌های خاص تاثیر بگذارند. همچنین، مهم‌ترین نکته‌ای که در ارتباط با این عوامل وجود دارد آن است که شرکت‌ها این توانایی را دارند تا به این عوامل غیرسیستماتیک واکنش نشان دهند و حتی آنها را حذف کنند [۱۲].

این در حالی است که عوامل سیستماتیک تمام شرکت‌ها در یک اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. مهم‌ترین ویژگی عوامل سیستماتیک نظیر تورم و نرخ بهره در این است که عوامل مزبور در کنترل یک شرکت خاص نیست. با این حال، شرکت‌ها می‌توانند به عوامل سیستماتیک واکنش نشان دهند؛ ولی نمی‌توانند آن را حذف کنند.

در اکثر پژوهش‌های حوزه پیش‌بینی سود توسط مدیران، نگاه تک بعدی وجود دارد و پیش‌بینی سود تنها از جنبه دقت آن مورد توجه قرار گرفته و نکته‌ای که در این پژوهش‌ها به آن کم‌توجهی شده، بحث افق زمانی پیش‌بینی سود بوده است. برخی پژوهشگران از قبیل کیم و همکاران (۲۰۱۴) بر این عقیده هستند که عدم اطمینان حاکم بر فضای اقتصادی یک کشور می‌تواند بر افق پیش‌بینی مدیران تاثیر مستقیمی داشته باشد. به عنوان مثال، آیا مدیر یک شرکت بورسی می‌تواند در شرایطی که اقتصاد کشور از نوسان‌های شدید نرخ ارز متاثر شده است، افق پیش‌بینی بلندمدت‌تری داشته باشد؟ پژوهش‌های مختلفی از قبیل [۱۹] معتقد هستند در شرایطی که کیفیت اطلاعاتی که مدیران در ارتباط با آینده در اختیار دارند، پایین باشد، مدیران تمایل دارند تا حد ممکن تعداد پیش‌بینی‌های خود را کاهش دهند؛ زیرا اگر پیش‌بینی مدیران از دقت پایین‌تری برخوردار باشد، طبیعی است شهرت و آینده کاری آنها به خطر خواهد افتاد. بدین ترتیب، نوسان‌های شدید متغیرهای کلان اقتصادی می‌تواند چنین شرایط مهمی را برای مدیران پیش آورد. البته، نظریه دیگری نیز در این باره مطرح است؛ به‌گونه‌ای که وقتی شرایط عدم اطمینان بر اقتصاد حاکم باشد، سرمایه‌گذاران انتظار دارند مدیران اطلاعات بیشتری در مورد شرکت را پیش‌بینی نماید. چنین انتظاری فشار مضاعفی را به مدیران وارد می‌کند تا علاوه بر آسیب احتمالی به شهرت خود، بحث انتظارات سرمایه‌گذاران را نیز در نظر بگیرند. بر اساس این نظریه، مدیرانی که در شرایط عدم اطمینان اقتصادی دست به پیش‌بینی سود می‌زنند، تصور بهتری از توانایی خود به بازار را دیکته می‌کنند. با این حال و با وجود این پیش‌بینی‌ها، به دلیل اینکه محیط کسب و کارهای امروزی بسیار متلاطم و همراه با عدم اطمینان است، انتظار می‌رود که این پیش‌بینی‌ها افق زمانی کوتاه‌مدتی را داشته باشند. بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط عدم اطمینان نسبت به شرایط اقتصادی، باید تبادل مناسبی میان هزینه پیش‌بینی‌های نامناسب و منفعت مخابره اطلاعات به موقع به بازار، صورت گیرد. در نهایت باید توجه داشت که در چنین محیط

مبتلاطمی، پیش‌بینی‌هایی با افق زمانی کوتاه‌مدت می‌تواند پاسخ مناسبی از سوی مدیران به تقاضای سرمایه‌گذاران و دیگر تصمیم‌گیرندگان باشد؛ هرچند که مدیران باید ریسک آسیب رسیدن به شهرت خود را نیز در نظر داشته باشند.

مروری بر پیشینه و ادبیات حوزه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

رولند^۱ (۱۹۷۹) طی پژوهش به این نتیجه رسید که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک به دلیل اینکه فعالیت‌های متنوع‌تری دارند، قادرند تا نسبت به متغیرهای برون‌شرکتی تاثیرگذار مانند نوسان‌های عوامل کلان اقتصادی، واکنش نشان دهند؛ لذا افق زمانی بلندمدت‌تری را برای پیش‌بینی سود در نظر می‌گیرند.

برگمن و رویچادهری^۲ (۲۰۰۸) طی پژوهشی با عنوان "تمایل‌های سرمایه‌گذاران و افشای شرکت‌ها" و با استفاده از داده‌های بورس می‌شیکان به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌ها در شرایط عدم‌اطمینان اقتصادی، افق زمانی کوتاه‌مدتی را برای ارائه پیش‌بینی سود انتخاب می‌کنند [۱۴].

روجرز و همکاران (۲۰۰۹) نیز در تحقیق خود با عنوان "سیاست‌های پیش‌بینی سود توسط مدیران و نوسان‌های بازار" به این نتیجه رسیدند که انتشار سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، موجب افزایش نوسان‌های شاخص بازار بورس می‌شود [۱۸].

بیر^۳ و همکاران (۲۰۱۰) ضمن بررسی محیط گزارشگری مالی، به دلایل اقتصادی ارائه سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران اشاره کرده‌اند [۱۶].

بونسال^۴ و همکاران (۲۰۱۳) هم در تحقیق خود با عنوان "چگونه مدیران در شرایط عدم‌اطمینان اقتصادی به پیش‌بینی می‌پردازند"، چنین نتیجه‌گیری کردند که سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه وضعیت و شرایط اقتصادی می‌باشد [۱۵].

یافته‌های چوک^۵ و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها در شرایط عدم‌اطمینان اقتصادی، افق زمانی کوتاه‌مدتی را برای پیش‌بینی سود انتخاب می‌کنند [۱۷].

پژوهش‌های داخلی

متأسفانه تقریباً هیچ پژوهشی در کشور بررسی رابطه بین نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی و سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، نپرداخته است. اکثر پژوهش‌های داخلی در رابطه با سود پیش‌بینی‌شده به

¹ Ruland

² Bergman and Roychowdhury

³ Beyer

⁴ Bonsall

⁵ Chuk

بررسی مواردی مانند دقت سود پیش‌بینی‌شده و عوامل موثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده و افق زمانی آن پرداخته‌اند که در ادامه به چند مورد از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

نیکومرام و گرگز (۱۳۸۸) با شناسایی عوامل و ارزیابی تاثیر آنها بر دقت سود پیش‌بینی سود توسط مدیران و ارتباط آن با نوسان‌های قیمت سهام به این نتیجه رسیدند که از بین چهار متغیر مستقل نسبت بدهی، نسبت بدهی به ارزش بازار سهام، میانگین فروش و افق زمانی پیش‌بینی، فقط دو متغیر نسبت بدهی و افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران در الگوی رگرسیون ارائه‌شده معنادار هستند [۱۳].

ملکیان و همکاران (۱۳۸۹) نیز با مطالعه عوامل موثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده چنین نتیجه‌گیری کردند که دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران با افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط آنها، رابطه معکوسی دارد [۱۱].

یافته‌های پژوهشی حقیقت و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه رتبه بندی عوامل موثر بر دقت سود پیش‌بینی سود نیز نشان داد که افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده (کوتاه‌مدت و بلندمدت) با دقت سود پیش‌بینی‌شده رابطه‌ای معکوس دارد؛ یعنی، هرچه افق زمانی بلندمدت‌تری برای پیش‌بینی سود انتخاب شود، دقت آن کاهش می‌یابد [۳].

اسکندرلی و قائمی (۱۳۹۲) هم با بررسی رفتار مدیران شرکت‌ها در پیش‌بینی سود به این نتیجه رسیدند که عملکرد گذشته، رویکرد گذشته مدیران در پیش‌بینی و نوع مالکیت شرکت، در سوگیری مدیران در پیش‌بینی سود، اثرگذار است [۱].

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: بین نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، رابطه معکوسی وجود دارد.

- فرضیه فرعی اول: بین تغییرات تولید ناخالص داخلی و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، رابطه معکوسی وجود دارد.
- فرضیه فرعی دوم: بین تغییرات تراز تجاری کشور و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، رابطه معکوسی وجود دارد.
- فرضیه فرعی سوم: بین تغییرات نرخ ارز و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، رابطه معکوسی وجود دارد.
- فرضیه فرعی چهارم: بین تغییرات نرخ تورم و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، رابطه معکوسی وجود دارد.

هنگام وجود عدم‌اطمینان در متغیرهای کلان اقتصادی، مدیران منافع و هزینه‌های ارائه به موقع پیش‌بینی سود را بررسی می‌کنند. در این شرایط، احتمال دارد که مدیران افق پیش‌بینی کوتاه‌مدت را

انتخاب کنند تا بتوانند واکنش مناسبی نسبت به عدم اطمینان متغیرهای اقتصادی نشان دهند و پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی تحلیلگران و سایر استفاده‌کنندگان باشند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و همبستگی است و روش‌شناسی پژوهش از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. مدل آماری به کار گرفته شده نیز رگرسیون چندمتغیره است که برای مشخص کردن رابطه عوامل در کنار یکدیگر به کار می‌رود.

روش گردآوری ها و تحلیل داده ها

داده‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری متغیرهای وابسته مربوط به پیش‌بینی سود از متن صورت‌های مالی و ضمایم آن و اطلاعات مربوط به اقلام صورت‌های مالی نیز از لوح‌های فشرده و بانک اطلاعاتی جامع شرکت‌ها و وب‌گاه سازمان مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار، استخراج شده است.

داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل که شامل تولید ناخالص ملی، تراز تجاری، نرخ ارز و نرخ تورم می‌باشد، از وب‌گاه بانک مرکزی استخراج شده است. همچنین، تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی و محاسبات آماری با استفاده نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در بورس فعال بوده‌اند.

با در نظر گرفتن اطلاعات نزدیک به زمان انجام پژوهش و در دسترس بودن آنها، دوره زمانی پژوهش ۸ سال و از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تعیین شده است. اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ فقط به منظور کنترل عدم اطمینان محیط‌های عملیاتی شرکت‌ها لحاظ شده است. نمونه آماری شامل ۸۵ شرکت بوده که با توجه به معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- با توجه به دوره زمانی پژوهش (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳)، شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و نام آنها تا پایان سال ۱۳۹۳ از فهرست شرکت‌های یادشده حذف نشده باشد.
- به منظور افزایش هم‌سنجی شرایط انتخاب شرکت‌ها، پایان دوره مالی آنها پایان اسفند ماه باشد.
- به دلیل متفاوت بودن ماهیت اقتصادی صنایعی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی از سایر شرکت‌ها، این نوع شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند.
- شرکت‌های انتخاب‌شده نباید طی دوره پژوهش، فعالیت خود را متوقف کرده باشند.

الگوی پژوهش

الگوی پژوهشی بررسی رابطه بین افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران و متغیرهای کلان اقتصادی به صورت زیر می‌باشد:

رابطه (۱)

$$Horizon_{t+1} = \alpha_0 + \beta_1(\Delta GDP_t) + \beta_2(\Delta Trade Balance_t) + \mu_{it} \beta_3(\Delta Exchange Rate_t) + \beta_4(\Delta Inflation_t)$$

که در رابطه ۱:

$Horizon_{t+1}$: افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران

ΔGDP_t : تغییرات تولید ناخالص داخلی

$\Delta Trade Balance_t$: تغییرات تراز پرداخت‌ها

$\Delta Exchange Rate_t$: تغییرات نرخ ارز

$\Delta Inflation_t$: تغییرات نرخ تورم

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

تعریف و نحوه محاسبه متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش که در رابطه (۱) مورد اشاره قرار گرفته‌اند، در نگاره (۱) به شرح زیر نشان داده شده است:

نگاره (۱): متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آنها

نام متغیرها	نحوه محاسبه متغیرها
متغیر وابسته: افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران (کوتاه‌مدت و بلندمدت)	فاصله زمانی پیش‌بینی سود سالانه توسط شرکت‌ها تا زمان ارائه صورت‌های مالی (تاریخ مجمع عمومی) که بر حسب روز تعریف و این تعداد روز بر ۳۶۵ تقسیم شده است تا با همسان‌سازی این متغیر در الگوی رگرسیون، تجزیه و تحلیل انجام شود.
متغیر مستقل: تغییرات تولید ناخالص داخلی	داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی از وب‌گاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج و تغییرات این متغیر جهت استفاده در پژوهش به صورت زیر محاسبه شده است: $(\Delta GDP) = \frac{GDP_2 - GDP_1}{GDP_1}$ که در رابطه فوق: GDP_2 = تولید ناخالص ملی در پایان دوره مالی GDP_1 = تولید ناخالص ملی در ابتدای دوره مالی
متغیر مستقل: تغییرات تراز پرداخت‌ها	جهت محاسبه تراز تجاری، مبلغ صادرات از واردات کسر و برای انجام این پژوهش، تغییرات تراز پرداخت‌ها به صورت زیر محاسبه شده است: $(\Delta Trade Balance) = \frac{Trade Balance_2 - Trade Balance_1}{Trade Balance_1}$ که در رابطه فوق: $Trade Balance_2$ = تراز تجاری در پایان دوره مالی $Trade Balance_1$ = تراز تجاری در ابتدای دوره مالی

نام متغیرها	نحوه محاسبه متغیرها
متغیر مستقل: تغییرات نرخ ارز	داده‌های مربوط به متوسط نرخ برابری دلار، یورو و پوند به ریال برای دوره پژوهش از وب‌گاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج و تغییرات این متغیر به منظور انجام پژوهش به صورت زیر محاسبه شده است: $(\Delta Exchange Rate_t) = \frac{Exchange Rate_2 - Exchange Rate_1}{Exchange Rate_1}$ که در رابطه فوق: $Exchange Rate_2 =$ متوسط نرخ ارز در پایان دوره مالی $Exchange Rate_1 =$ متوسط نرخ ارز در ابتدای دوره مالی
متغیر مستقل: تغییرات نرخ تورم	داده‌های مربوط به نرخ تورم برای دوره پژوهش از وب‌گاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج و تغییرات این متغیر به منظور انجام پژوهش به صورت زیر محاسبه شده است: $(\Delta Inflation_t) = \frac{Inflation_2 - Inflation_1}{Inflation_1}$ که در رابطه فوق: $Inflation_2 =$ نرخ تورم در پایان دوره مالی $Inflation_1 =$ نرخ تورم در ابتدای دوره مالی

یافته‌های پژوهشی و تحلیل آن

برای تجزیه و تحلیل مقدماتی داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) ارائه شده است. بیشترین میانگین در بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، متعلق به تغییرات تراز تجاری و کمترین میانگین مربوط به تغییرات تولید ناخالص داخلی است.

نگاره (۲): آمار توصیفی داده‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه
تغییرات تولید ناخالص داخلی	۰/۰۱۱	۰/۰۶۷	۰/۰۷۴	-۰/۰۶۷
تغییرات تراز تجاری	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۳۳	۰/۱۴
تغییرات نرخ ارز	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۳۲	۰/۰۵
تغییرات نرخ تورم	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۱۵
افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران (کوتاه‌مدت و بلندمدت)	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۰۹

آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، باید نرمال بودن متغیر وابسته مشخص گردد. توزیع غیرنرمال این متغیر منجر به تخطی از فرض‌های کلاسیک الگوی رگرسیون می‌شود. لذا لازم است نرمال بودن این متغیر مورد بررسی قرار گیرد که این کار از طریق انجام آزمون نرمال بودن به شرح زیر و با استفاده از آماره جارک - برا صورت می‌پذیرد.

$$\begin{cases} H_0 = \text{Normal Distribution} \\ H_1 = \text{Not Normal Distribution} \end{cases}$$

از آنجایی که احتمال آماره محاسبه شده کمتر از ۵٪ است، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن متغیر وابسته رد می‌شود. در این پژوهش جهت نرمال‌سازی داده‌ها از تبدیل باکس - کاکس^۱ و تابع انتقال جانسون^۲ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون جارکیو - برا قبل و بعد از نرمال‌سازی داده‌ها در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون جارک - برا

متغیر وابسته	آماره	سطح معناداری
افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران (قبل از نرمال‌سازی)	۲/۰۰۷	۰/۰۰۳
افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران (بعد از نرمال‌سازی)	۰/۶۲۵	۰/۸۵۳

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون‌های آماری مربوط به الگوی رگرسیون مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، در نگاره (۴) ارائه شده است.

قبل از آزمون لازم است نبودن هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش بررسی شود. در این پژوهش از شاخص VIF (عامل تورم واریانس)^۳ بدین منظور استفاده شده است. اگر این شاخص برای متغیر مستقلی به طور میانگین نزدیک به ۱۰ باشد، احتمال دارد متغیر مستقل مذکور با متغیرهای دیگر هم‌خطی داشته باشد. مقادیر ارائه شده در نگاره (۴)، بیانگر نبود هم‌خطی بین متغیرهاست. این در حالی است که با بررسی نگاره (۴) مشخص می‌شود که مقدار آماره دوربین - واتسون^۴ نیز در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که جمله‌های خطای الگوی رگرسیون ارائه شده با یکدیگر همبستگی ندارند. همان‌طور که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره F بیانگر معنادار بودن کلی معادله رگرسیون در سطح ۰/۹۵ است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده کل نیز برابر با ۰/۴۰٪

¹ Box-Cox Transformation

² Johnson's Transfer Function

³ Variance Inflation Factor (VIF)

⁴ Durbin-Watson

است. این مقدار بیانگر آن است که متغیرهای مستقل الگوی ارائه‌شده، قادر به تبیین ۴۰٪ از تغییرات در خطای پیش‌بینی سود توسط مدیران هستند.

طبق فرضیه اول پژوهش، رابطه آماری معناداری میان تغییرات تولید ناخالص داخلی و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t بیشتر ۰/۰۵ می‌باشد، دلیلی بر رد فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. بنابراین رابطه معناداری بین تغییرات تولید ناخالص داخلی و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود ندارد. بر اساس فرضیه دوم پژوهش، رابطه آماری معناداری بین تغییرات تراز تجاری و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t بیش ۰/۰۵ است، دلیلی بر رد فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. به عبارت دیگر، رابطه معناداری بین تغییرات تراز تجاری و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود ندارد.

نگاره (۴): ضرایب الگوی رگرسیون

$Horizon_{t+1} = \beta + \beta_1(\Delta Trade\ balance_t) + \beta_2(\Delta GDP_t) + \beta_3(\Delta Exchange\ Rate_t) + \beta_4(\Delta Inflation_t) + \mu_{it}$					
متغیر	ضرایب متغیرهای الگوی رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF	
عرض از مبدا	β	۰/۴۷۴	۷/۷۶۲	۰/۰۰۰	
تغییرات تولید ناخالص داخلی	β_1	-۰/۱۰۵	-۱/۳۰۱	۰/۱۲۲	۱/۳۷۵
تغییرات تراز تجاری	β_2	-۰/۵۸۰	-۱/۲۶۴	۰/۲۰۷	۱/۳۸۵
تغییرات نرخ ارز	β_3	-۲/۲۲۶	-۴/۴۲۳	۰/۰۰۰	۱/۷۲۲
تغییرات تورم	β_4	-۰/۱۵۴	-۳/۲۵۴	۰/۰۰۱	۱/۴۴۳
ضریب تعیین		۰/۴۷۰		آماره F	۱۶/۲۳۶
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۴۰۰			
آماره دوربین - واتسون		۱/۸۷۷		سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰

مطابق با فرضیه سوم پژوهش، رابطه آماری معناداری بین تغییرات نرخ ارز و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، دلیلی بر تایید فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. به بیان دیگر، رابطه معناداری بین تغییرات نرخ ارز و افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران وجود دارد؛ یعنی با افزایش نوسان‌های نرخ ارز، مدیران افق زمانی کوتاه‌مدت‌تری را برای پیش‌بینی سود انتخاب می‌کنند.

در فرضیه چهارم پژوهش بیان شده است که رابطه آماری معناداری بین تغییرات نرخ تورم و افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t کمتر از 0.05 است، دلیلی بر تایید فرضیه صفر در سطح اطمینان 95% وجود ندارد؛ یعنی، رابطه معناداری بین تغییرات نرخ تورم و افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که مدیران به دلیل افزایش نرخ تورم، افق زمانی کوتاه‌مدت‌تری را برای پیش‌بینی سود برمی‌گزینند.

بحث و نتیجه‌گیری

پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن به عنوان یک رویداد اقتصادی، از دیرباز مورد توجه بسیاری از تحلیلگران و سرمایه‌گذاران بوده است. اصل ۴۴ قانون اساسی و فرایند خصوصی‌سازی در ایران از یک سو و افزایش تعداد سهامداران و تدوین قانون بازار اوراق بهادار از سوی دیگر، توجه بسیاری را به سوی سرمایه‌گذاری و گزارشگری مالی جلب کرده است. به همین منظور، مدیران در تلاش هستند تا از طریق ارائه اطلاعاتی دقیق و بی‌طرف، عدم‌تقارن اطلاعاتی میان خود و سرمایه‌گذاران را کاهش دهند. با این حال، اکثر اطلاعات گزارش شده توسط مدیران، ماهیت آینده‌نگرانه دارد. طبیعی است که اطلاعات و گزارش‌های آینده‌نگرانه تحت تاثیر عوامل مختلف خرد و کلانی قرار می‌گیرد که می‌تواند آنها را تحت تاثیر قرار دهد. به غیر از عوامل مختص شرکت‌ها که به صورت خرد بر پیش‌بینی سود مدیران تاثیر می‌گذارد، آن چیزی که از دید پژوهشگران حسابداری پنهان مانده، نقش متغیرهای کلان اقتصادی و ارتباط آن با افق زمانی سود پیش‌بینی توسط مدیران است. پژوهش حاضر از اولین پژوهش‌های انجام شده در حوزه بررسی تاثیر نوسان‌های متغیرهای کلان اقتصادی بر افق زمانی سود پیش‌بینی شده توسط مدیران می‌باشد. این پژوهش و پژوهش‌های مشابه آتی می‌توانند کمک قابل توجهی در درک هر چه بهتر عوامل موثر بر پیش‌بینی سود توسط مدیران ارائه کنند. در این پژوهش با بررسی برخی از متغیرهای تاثیرگذار کلان اقتصادی از قبیل تغییرات تولید ناخالص داخلی، تغییرات تراز تجاری، تغییرات نرخ ارز و تغییرات نرخ تورم، نتیجه حاصل شد که تنها نوسان‌های نرخ ارز و نرخ تورم رابطه معکوس و معناداری با افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران دارد. از دلایل اصلی ارتباط نرخ ارز و پیش‌بینی مدیران می‌توان به وابستگی شدید شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به ارز اشاره کرد. این شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های فعال در صنایع پتروشیمی و خودروسازی، در سال‌های اخیر شاهد نوسان‌های شدید نرخ ارز بوده‌اند؛ لذا مدیران این شرکت‌ها در ارائه پیش‌بینی سود شرکت، افق زمانی کوتاه‌مدت‌تری را انتخاب کرده‌اند. در رابطه با ارتباط معکوس نرخ تورم و افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران نیز می‌توان ادعا کرد که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های ناعادلانه اعمال شده بر کشورمان، نرخ تورم به صورت فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ به صورتی که نوسان مذکور در نرخ تورم بر افق زمانی پیش‌بینی سود مدیران تاثیر گذاشته و باعث شده است مدیران افق زمانی کوتاه‌مدت‌تری را برای ارائه پیش‌بینی سود شرکت انتخاب کنند. چنین نتیجه‌گیری را می‌توان هم‌هنگ با نتایج پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۴) دانست. این در حالی است که یافته‌های پژوهشی نشان دادند که سایر

متغیرهای مستقل (شامل تغییرات تولید ناخالص داخلی و تغییرات تراز تجاری)، رابطه معناداری با افق زمانی پیش‌بینی سود توسط مدیران ندارند. این موضوع را می‌توان براساس پژوهش ستایش و همکاران (۱۳۹۰) به اندک بودن سهم بازار سرمایه ایران در اقتصاد ارتباط داد.

پیشنهادها

پیشنهادهای کاربردی:

- با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق و تحلیل آن در چارچوب شرایط محیطی کشورمان، پیشنهادهای کاربردی زیر پیشنهاد می‌شود.
- یافته‌های پژوهش حاضر عاملی است در جهت آگاه ساختن مجموعه سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری تا به تاثیر مستقیم برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر پیش‌بینی مدیران، توجه بیشتری داشته باشند.
- با توجه به دامنه نوسان متغیرهای کلان اقتصادی در کشورمان به دلیل شرایط اقتصادی حاصل از اعمال تحریم‌های ناعادلانه، به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شرکت‌ها توصیه می‌شود تا با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در تصمیم‌گیری‌های خود بر مبنای ارقام سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران، به افق زمانی پشتوانه پیش‌بینی‌های انجام‌شده توجه بیشتری مبذول دارند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- پیش‌بینی سود توسط مدیران ممکن است تحت تاثیر متغیرهای دیگری باشد که در این پژوهش مورد توجه نبوده است. لذا به پژوهشگران توصیه می‌شود در پژوهش‌های خود از متغیرهای دیگری نیز استفاده نمایند. با این وجود، برخی از مسائل دیگری که می‌توان آنها را در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار داد، به شرح زیر می‌باشند:
- تاثیر نوع صنعت بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران،
 - مقایسه افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و شرکت‌های غیربورسی.
 - تاثیر وجود سهامداران خارجی بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران و تاثیر زمان ورود شرکت به بورس بر افق زمانی سود پیش‌بینی‌شده توسط مدیران.

فهرست منابع

۱. اسکندری، طاهر و محمدحسین قائمی (۱۳۹۲). "بررسی رفتار مدیران در پیش‌بینی سود سالیانه شرکت‌ها". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی دانشگاه علامه طباطبائی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۷۵-۵۳.
۲. دامغانی، کورش (۱۳۹۳). "زمان‌بندی استراتژیک در اعلام سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت". *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۸۷-۷۸.
۳. حقیقت، حمید، مسعود بختیاری و محمدتقی بهشتی‌پور (۱۳۹۰). "رتبه بندی عوامل موثر بر دقت پیش‌بینی سود در بورس اوراق بهادار تهران". *حسابداری و حسابرسی*، سال هجدهم، شماره ۶۵، صص ۶۲-۴۱.
۴. خلیفه سلطانی، سید احمد و شیدا نایب محسنی (۱۳۹۷). "چارچوب پیش‌بینی سود مدیریت". *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۳۵-۵۲.
۵. ساربان‌ها، محمدرضا و علی آشتاب (۱۳۸۷). "شناسایی عوامل موثر بر خطای پیش‌بینی سود شرکت‌های جدیدالورود به بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران*، شماره ۲۸، صص ۷۶-۵۵.
۶. ستایش، محمدحسین (۱۳۷۳). اهمیت مفاهیم سود در پیش‌بینی قدرت سودآوری، پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده)، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۷. ستایش، محمدحسین، زهره کریمی و لیلا کریمی (۱۳۹۰). "بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره ۱۱.
۸. کردستانی، غلامرضا و احمد لطفعلی (۱۳۸۹). "بررسی ارتباط بین خطای پیش‌بینی سود و ارقام تعهدی". *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال سوم، شماره پیاپی ۸، صص ۷۸-۶۳.
۹. مرادزاده، مهدی، زهرا علی‌پور و هما نظری (۱۳۹۲). "بررسی خطای پیش‌بینی سود مدیران و محتوای اطلاعاتی ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت انجمن علمی حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره ۷، صص ۲۸-۱۵.
۱۰. مشایخ، شهناز و سیده سمانه شاهرخی (۱۳۸۶). "بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل موثر بر آن". *حسابداری و حسابرسی*، سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۸۲-۶۵.
۱۱. ملکیان، اسفندیار، احمد احمدپور، محمد رحمانی و عباسعلی دریایی (۱۳۸۹). "عوامل موثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده: شواهدی از بازار بورس و اوراق تهران". *حسابداری و حسابرسی*، دوره هفدهم، شماره ۶۱، صص ۳۸-۲۳.

۱۲. نقدی، سجاد (۱۳۹۳). پیش‌بینی سود هر سهم شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران: مقایسه مدل‌های سری‌زمانی، شبکه عصبی و الگوریتم ژنتیک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (منتشرنشده)، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۳. نیکومرام، هاشم و منصور گرگز (۱۳۸۸). "شناسایی عوامل و ارزیابی بر دقت پیش‌بینی سود و ارتباط آن با نوسان‌های قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پژوهش‌های مدیریت، سال دهم، شماره ۸۱، صص ۴۲-۵۹.
14. Bergman, N.K., S. Roychowdhury (2008). "Investor Sentiment and Corporate Disclosure", **Journal of Accounting Research**, 46, pp.1057-1083.
15. Bonsall, S.B., P.E. Fischer, and Z. Bozanic (2013). "What Do Management Earnings Forecasts Convey about the Macro Economics", **Journal of Accounting Research**, 51 (2), pp. 225-266.
16. Beyer, A., D. Cohen, T. Lys, and B. Walther (2010). "The Financial Reporting Environment: Review of the Recent Literature", **Journal of Accounting and Economics**, 50 (4), pp. 296-343.
17. Chuk, E., D. Matsumoto, and G.S. Miller (2013). "Assessing Methods of Identifying Management Forecasts", **Journal of Accounting and Economics**, 55 (5), pp. 23-42.
18. Rogers, J.L., D.J. Skinner, and A. Van Buskirk, (2009). "Earnings Guidance and Market Uncertainty", **Journal of Accounting and Economics**, 48, pp. 90-109.
19. Rogers, J., A. Van Buskirk (2013). "Bundled Forecasts and Selective Disclosure of Good News", **Journal of Accounting and Economics**, 55 (4), pp. 43-65.
20. Ruland, W. (1979). "The Time Series of Earnings for Forecast Reporting and Non-Reporting Firms", **Journal of Business Finance and Accounting**, 25, pp. 187-201.
21. Ou, J.A., and S.H. Penman (1989). "Financial Statement Analysis and the Prediction of Stock Returns", **Journal of Accounting and Economics**, 11 (4), pp. 295-329.

سایت رسمی www.iaaaar.com

تلفکس ۴۴۸۴۴۷۰۵-۴۴۸۴۴۹۷۵

پست الکترونیک iranianaa@yahoo.com

سایت انجمن حسابداری ایران www.iranianaa.com



Macroeconomic Variables Fluctuations and Management Earnings Forecast Horizon

Rafik Baghoomian (PhD)

Assistant Professor in Faculty of Management & Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Sajad Naghdi (PhD)¹©

Ph.D. in Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Hojjat Mohammadi

Ph.D. Student in Allame Tabatabaei University, Tehran, Iran

(Received: 18 April 2016; Accepted: 15 October 2016)

This paper assesses the impact of a comprehensive set of macroeconomic factors (including changes in Gross Domestic Production (GDP), changes in trade balance, changes in exchange rate, and changes in inflation rate) on management earnings forecast horizon in companies' annual reports. The data set includes 85 companies listed on Tehran Stock Exchange (TSE) for the period of 1386 -1393. The study used Ordinary Least Squares (OLS) regression model to examine the relationship between above mentioned macroeconomic factors and management earnings forecast horizon. The empirical results show that among the macroeconomic variables that have been examined, there are only significant relationships between two of above mentioned macroeconomic factors (including changes in exchange rate, and changes in inflation) and management earnings forecast horizon. Therefore we infer that by increasing volatility of both exchange and inflation rates, managers prefer to choose short term horizon for making their earnings forecast. We did not find any statistically significant association between other macroeconomic factors (including changes in GDP and trade balance) and management earnings forecast. The results suggest that macroeconomic variables can affect time horizon (short-term and long-term) of management earning forecast.

Keywords: Management Earnings Forecast Horizon, Macroeconomic Factors, Tehran Stock Exchange (TSE).

¹ naghdi1367@yahoo.com © (Corresponding Author)